

تفسیر و تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب



بیانیه گام دوم دارای آموزه ای جامع و کامل است. نکته آن است که به صورت شفاف آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می کند. به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می کنند. تمدن نوین اسلامی در جمله رهبر انقلاب با این تعبیر آمده است: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید».

برای اینکه بتوان در مورد بیانیه در فاز خرد و کلان بحث کرد، باید فضای حاکم بر زمان صدور این بیانیه را توصیف کرد. لازم است فضایی را یا آن context که این بیانیه در آن شکل گرفته است، به صورت مقدمه بیان کنیم، چون لازمه فهم این بحث ورود به فضای کلان است. شاید نکته اول، فضای حاکم بر بیانیه بود که همزمان با چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی بود. برجسته ترین مساله ۴۰ سالگی انقلاب بود، برجسته بودنش به خاطر اهمیت دوام آوردن بزرگ ترین انقلاب قرن با وجود دشمنان سرسخت دنیا بود. ۴۰ سالگی انقلاب با همه مباحثی که در مورد عدد ۴۰ در فرهنگ و آیین ما مطرح یا استنباط و استخراج می شود، هم به جنبه ایجابی و هم به جنبه سلبی باعث شد مقام رهبری این بیانیه را صادر کنند. یعنی بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب با توجه به عدد ۴۰ ایجاب می کرد که رهبر انقلاب ورود کند و مروری بر نهال یا موجودیت ۴۰ ساله ای که به هر حال نشان از پختگی و گذشت از دوره جوانی دارد، داشته باشند که این مساله ایجابی این بیانیه است.

به لحاظ سلبی از دو یا سه سال قبل از رسیدن ما به ایستگاه ۴۰ سالگی انقلاب، با توجه به فضایی که ما با قدرت های بزرگ خصوصا آمریکا و غرب داشتیم، اتفاقاتی که در بحث هسته ای داشتیم و فضاهای تحریفی ای که درست کرده بودند، قصد داشتند کشور را ببرند به سمتی که بتوانند با تحریم فشار را در توده های مردم که پشتوانه انقلاب اسلامی هستند، زیاد کنند که بتوانند آنها را به گلايه و شکایت و بعد به شورش وادار کنند که این هدف های اصلی تحریم بود. علاوه بر این در سه، چهار سال اخیر انتظار ما به عنوان معلمان علم سیاست که تحلیل می کردیم، این بود که احتمالا برای ۴۰ سالگی انقلاب دشمنان انقلاب اسلامی تلاش خواهند کرد که از ۴۰

سالگی محملی بسازند که بخواهند انقلاب اسلامی را محاکمه و ناکامی های گذشته شان را جبران کنند. نشان دادن راه و افق برای آینده شاید مهم ترین وظیفه ولی فقیه چه در قانون اساسی و چه در بحث ولایت و امامت است و ولایت فقیه هم از ولایت و امامت شیعی گرفته شده است. رهبری وظیفه دارند هر جا از مسیر اصلی انحرافی صورت گرفته، تذکر بدهند و در واقع سوگیری های اصلی را نشان دهند و لازم بود در چنین فضایی سوگیری اصلی را نشان دهند. دانشجویان براساس صفحات مجازی چه سوالاتی مطرح می کنند؛ بیانیه مجموعه اینها را به طرز قابل توجهی و در قالب منطقی، تحلیلی، تاریخی و جامعه‌شناختی پاسخ می دهد.

نکته اول: تکریم و تعظیم ملت ایران

تکریم و تعظیم ملت ایران و حفظ کردن یک انقلاب منحرف نشده اولین نکات خردی است که به چشم می خورد. در پاراگراف اول بیاناتی دارند مانند اینکه ملت ایران چه ملتی است و کمتر اتفاق می افتد که ملت ها انقلاب کنند و از آن کمتر اینکه انقلاب را حفظ کنند. مرحوم دکتر شریعتی می گفت انقلاب کردن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است.

نکته دوم: توصیف انقلاب اسلامی به عنوان یک نهضت بزرگ دینی

دومین نکته در قسمت خرد بیانیه این است که بیانیه از انقلاب به عنوان یک نهضت بزرگ دینی یاد می کند. انقلاب علی القاعده یک پدیده سیاسی است، ما می گوئیم انقلاب بزرگ، انقلاب اجتماعی، انقلاب سیاسی. این رشته و تخصص بنده است ولی انقلاب اسلامی را که به قول آقایان علما و فلاسفه بالذات یک پدیده سیاسی است، به عنوان یک نهضت بزرگ دینی یاد کردن بدیع است و بیان می کند که چطور این نهضت بزرگ دینی در معرکه ای از بی دینی‌ها اتفاق می افتد، یعنی در میانه معرکه ایدئولوژی‌های چپ و راست، یعنی در معرکه نزاع یا هم‌آوردطلبی ایدئولوژی سوسیالیسم، مارکسیسم و راست لیبرالیسم، کاپیتالیسم یکدفعه نهضتی به نام دین اتفاق می افتد. این هم به لحاظ خرد پدیده بدیعی است که از انقلاب اسلامی به یک نهضت بزرگ دینی یاد می کند که به تعبیر بنده میان ایدئولوژی‌های چپ و راست شکل می گیرد و می ماند. به هر حال یکی از مباحث مهم انقلاب اسلامی این بود. انقلاب اسلامی زمانی در ایران پیروز شد که پدیده انقلاب پشت قباله چپ‌ها (مارکسیست‌ها) بود و هیچ کس در دنیا انقلاب نمی کرد مگر اینکه چپ باشد. ایدئولوژی چپ موتور انقلاب بود. یکی از علل اینکه مجاهدین خلق، منافق خلق شدند، همین بود. آیه «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما» را انتخاب کردند ولی تغییر ایدئولوژی دادند.

نکته سوم: اضافه کردن شعارهای جدید به شعارهای انقلاب اسلامی

سومین نکته این است که رهبر انقلاب شعارهای انقلاب را در اینجا گسترش می دهد؛ به تعبیری ضرب در ۲ می کند، به عبارتی شعارهای انقلاب یا چهار شعار اصلی انقلاب که مبتنی بر چهار خواسته اصلی و بنیادین مردم ایران در سال ۵۷ بود، مورد تاکید قرار

می دهند و هم بر آن چهار مورد دیگر اضافه می کنند که به لحاظ تخصصی جالب بود. آن چهار موردی که مردم ایران برای آن در سال ۵۷ انقلاب کردند، استقلال، آزادی، عدالت و معنویت بود. ایشان در واقع چهار بحث جدید را به آن اضافه می کنند که عبارتند از اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری. این به لحاظ خرد و فنی و تخصصی جالب بود که از این هشت مورد به عنوان شعارهای انقلاب یاد می کنند. استقلال، آزادی، عدالت، معنویت، اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری و جالب اینکه از آن به عنوان شعارهای جهانی و ارزش های دینی انقلاب یاد می کنند، یعنی اینکه اگر باز امروزی تر بخواهیم صحبت کنیم، چنین می شود که گروه های سیاسی داخل کشور اگر قرار است به انقلاب اسلامی وفادار بمانند و انقلاب اسلامی بماند، باید کاری کنند و کاری کنیم که جامعه ای شکل دهیم که در آن استقلال در کنار آزادی و آزادی در کنار عدالت و عدالت در کنار معنویت و معنویت در کنار اخلاق و اخلاق در کنار عزت و عزت در کنار عقلانیت و عقلانیت در کنار برادری باشد. جامعه باید مبتنی بر این هشت مورد باشد که از آن به عنوان شعارهای جهانی انقلاب یاد می شود، یعنی اینها ارزش های دینی برخاسته از دین اسلام و ارائه شده توسط انقلاب اسلامی است که جهان هم آن را مطالبه می کند.

نکته چهارم: انقلابی ماندن

چهارمین نکته در رویکرد خرد در این بیانیه، نظریه نظام انقلابی یا به تعبیری نظریه انقلاب دائم است. در انقلاب ها یک ادبیاتی وجود دارد که می گوید انقلابیون دو دسته می شوند. عده ای انقلاب گرایان دائم یا طرفداران انقلاب دائم می شوند یعنی انقلابی عمل کردن دائم. یک عده هم معتقدند انقلابی بودن برای یک فصلی است و وقتی انقلاب پیروز شد انقلابی عمل کردن ممکن نیست. به طور مثال پمپو و تیم جدید آمریکایی یکی از اخطارهایی که به ایران دادند، این بود که ایران باید بین انقلابی بودن و یک نظام سیاسی بودن یکی را انتخاب کند. این را مطرح کردند که نمی شود دائما انقلابی بود. مقام معظم رهبری از جمله کسانی هستند که بر انقلاب دائم تاکید دارند و این را در این جمله می گویند که انقلاب اسلامی پس از نظام سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند. ایشان طرفدار این موضوع است و در اینجا به صورت شفاف مطرح و تاکید می کنند.

نکته پنجم: ایجاد تمدن نوین اسلامی

پنجمین نکته آن است که به صورت شفاف آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می کند. به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می کنند. تمدن نوین اسلامی در جمله رهبر انقلاب با این تعبیر آمده است: «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک کنید».

نکته ششم: تاکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب اسلامی

ششمین تاکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب اسلامی است و به همین دلیل چون انقلاب اسلامی بدیع و نوآور است، بسیار ارزشمند است و تمام آن چیزی که به دست آورده نیز ارزشمند است. این را این گونه استدلال می کنند که بدیع و نوآورانه بودن انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر شروع شده؛ چرا؟ چون اولاً همه چیز علیه ما بود و ثانیاً هیچ تجربه پیشین و راه طی شده ای در برابر ما وجود نداشت.

نکته هفتم: بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین الملل

رهبری در واقع تاکید بر بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین الملل دارند و این بازتاب را در دو حوزه بیان می کنند: «۱) انقلاب اسلامی جهان دو قطبی را سه قطبی کرد، یعنی جهان شرق به رهبری شوروی با ایدئولوژی سوسیالیسم -مارکسیسم و غرب به رهبری آمریکا با ایدئولوژی لیبرالیسم - کاپیتالیسم و یک قطب جدیدی شکل گرفت به نام قطب تفکر و جهان اسلام. ۲) بعد از فروپاشی شوروی جهان در حالی که چندقطبی شده، انقلاب اسلامی دوگانه اسلام و استکبار را زنده نگه داشته و دو جبهه را شکل داده؛ (یک) جبهه مقاومت و (دو) جبهه سلطه».

نکته هشتم: اعتقاد به اصل «ما می توانیم»

هشتمین نکته که در رویکرد خرد قابل صحبت است، این است که رهبری از «ما می توانیم» به عنوان یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران یاد می کنند. می گویند که مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما می توانیم که امام بزرگوار به ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه ها رسانید. می گویند مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی همین ما می توانیم است، علت آن نیز این است که دو دهه قبل وقتی قرار شد نفت ایران ملی شود نخست وزیر وقت رزم آرا در مقام مخالف ملی شدن صنعت نفت صحبت کرد.

نکته نهم: تاکید بر دستاوردهای انقلاب اسلامی

یکی از مهم ترین بخش های بیانیه این قسمت است که در هفت بند بیان می کند که دستاوردهای انقلاب چه بوده است و در انتها هم در هفت بند بیان می کند که چه باید بکنیم. در هفت بند می گوید انقلاب اسلامی در این ۴۰ سال چه به دست آورده و در هفت بند هم می خواهد بگوید در ۴۰ سال آینده چه باید بکنیم. البته برای اینکه از این هفت بند که مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است، یاد بکند، به پنج واقعیت اشاره می کند. آن پنج واقعیت عبارتند از: (۱) حکومت مردمی و مردم سالاری، (۲) اراده ملی، (۳) میدان داری

جوانان، ۴) روحیه و باور «ما می توانیم»، ۵) تحریم دشمنان که حضرت آقا می فرمایند تحریم دشمنان باعث اتکا به دستاورد داخلی شد.

حال هفت دستاورد انقلاب اسلامی در ۴۰ سال گذشته عبارتند از:

- ۱) ضمانت ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها و معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله
- ۲) پیشرفت شگرف در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، در حالی که ایران پیش از انقلاب در تولید علم و فناوری صفر بود. در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت.
- ۳) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی در امور سیاسی مثل انتخابات و مقابله با فتنه های داخلی، حضور در صحنه های ملی و استکبارستیزی،

۴) ارتقای شگفت آور بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین المللی

۵) سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور. جمهوری اسلامی در شمار موفق ترین حاکمیت های جهان در جابه جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور و از مناطق مرفه نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است.

۶) افزایش دادن چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه. مصداق هایی که بیان می کند بسیار جالب است، مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدس و روحیه برادری و ایثار که واقعا در آنجا بود. که چطور عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه بالا رفت. الان هم خانواده های مدافعان حرم را می بینید، باز هم همین احساس را دارند.

۷) برجسته تر شدن روزه روز نماد پرابهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر مستکبران جهان در راس آن آمریکای جهان خوار. این هم به عنوان دستاورد دیگری است که برای مردم ایران افتخار آفریده است.

نکته دهم: باور عمیق به انقلاب و انقلابی گری به مثابه مشی و منش

دهمین نکته، باور عمیق به انقلاب و انقلابی گری به مثابه مشی و منش است. اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ ۴۰ ساله نمی بود، بی شک دستاوردها بیشتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نداشت. این هم نگاه ایشان را متمایز می کند.

نکته یازدهم: کارنامه درخشان ۴۰ ساله انقلاب اسلامی (داخلی و خارجی)

انقلاب از لحاظ داخلی، ایران را به کشور پیشرفته تبدیل کرده و از لحاظ خارجی ایران قدرت منطقه شده است؛ آنچه در ایران در ۴۰ سال از لحاظ داخلی اتفاق افتاد، ایران را تبدیل به یک کشور پیشرفته کرد و آنچه در خارج در منطقه اتفاق افتاده ایران را به یک قدرت منطقه ای تبدیل کرده است. همه در داخل ایران حتی دانشجویانم از من می پرسند آقای دکتر جنگ می شود؟ پس چه می شود؟ مجموعه پول سعودی و آمریکایی ها و صهیونیست ها خیلی بیشتر است، پس چرا پول آنها معجزه نمی کند؟ این نشان می دهد که همه چیز فقط پول نیست. اگر زور و پول است که بودجه نظامی آمریکا ۷۳۴ میلیارد دلار است. کل درآمد ارزی ما نفت و غیرنفتی به ۱۰۰ میلیارد دلار نمی رسد. یعنی بودجه نظامی آمریکا هفت برابر کل درآمد ارزی ما در طول یک سال است. اگر به زور است که زور خیلی بیشتر است.

نکته دوازدهم: امید و نگاه خوش بینانه به آینده

توصیه های هفت گانه به جوانان برای آینده با چاشنی امید و نگاه خوش بینانه به آن، دوری جستن و برحذر داشتن همزمان از امید کاذب و ترس کاذب، اصل قرار دادن اینکه ترس و ناامیدی را از خود دور برانند، نخستین و ریشه ای ترین جهاد شما جوانان است. تحلیل رهبری از مهم ترین سنگ جلوی جوانان این ترس و ناامیدی است، دشمن به دنبال مایوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. با این چاشنی در هفت حوزه توصیه می کنند:

۱) علم و پژوهش: ایشان یک رهبر مذهبی است. آیت الله، روحانی و فارغ التحصیل قم هستند. اولین توصیه ایشان به جوانان برای ساختن آینده علم و پژوهش است. گفتم انقلاب اسلامی به صورت اتوماتیک تضاد بین علم و دین را از بین برده و جالب است که دومین عملکرد انقلاب اسلامی که از آن دفاع می کند در حوزه علم و فناوری است. عبارتی که به کار می برد، چیست؟ دانش آشکار ترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. توانا بود هر که دانا بود.

۲) معنویت و اخلاق: چیزهای جالبی که در این بیانیه است، تعریف کردن برخی مفاهیم است، از جمله تعریف معنویت و اخلاق، جلوتر می رویم تعریف آزادی و استقلال است. تعاریف بدیع و جالبی دارد. معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل اخلاص، ایمان و توکل در خود و در جامعه. اخلاق نیز به معنی رعایت فضیلت هایی مثل خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. اینجا ایشان به مثابه رهبر انقلاب وقتی از اخلاق صحبت می کنند یعنی توصیه می کنند ملت ایران اگر می خواهید به جایی برسید باید خیرخواهی، گذشت و کمک به نیازمند و شجاعت داشته باشید و معنویت و اخلاق جهت دهنده همه حرکات و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بعد اشاره می کنند محیط زندگی

راحت با کمبودهای مادی بهشت می‌سازد و نبودن آنها جهنم می‌آفریند و جمله جالب تر اینکه می‌گویند این دو عامل اخلاق و معنویت بدون همراهی حکومت‌ها توفیق‌چندانی نخواهند داشت، چرا؟ چون اخلاق و معنویت با دستور و فرمان به‌دست نمی‌آید. پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند؛ خب راه حل چیست؟

اولا، خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند. ثانيا، زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند و با کانون ضدمعنویت و اخلاق به شیوه معقول بستیزند.

۳) اقتصاد: عبارت‌های جالبی است. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد، لذا به‌خاطر همین اقتصاد می‌تواند تاثیر شگرفی بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

۴) عدالت و مبارزه با فساد: چهارمین نکته‌ای که برای آینده جوانان توصیه می‌کنند، عدالت و مبارزه با فساد است. دقیقا براساس تجربیات ۴۰ ساله بیان می‌کنند. این دو لازم و ملزوم یکدیگر و دو روی یک سکه‌اند. وسوسه مال، مقام و ریاست حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ (حضرت علی(ع)) کسانی را لرزاند، چون گاهی گفته می‌شود این همه دم زدن از حضرت علی(ع)، این همه آدم فاسد!

۵) استقلال و آزادی: استقلال به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های جهان است. این یک تعریف بسیار بدیع است و تعریف بسیار جالبی است، استقلال را با آزادی تعریف می‌کنند ولی نه آزادی فرد، آزادی نیز به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است. جالب تر از اینها گفتم مانیفست اسلام‌گرایی است، یعنی به عنوان شاخص‌ترین رهبر اسلام‌گرای جهان می‌خواهند بگویند که من به استقلال و آزادی این‌گونه معتقد هستم که این دو از جمله ارزش‌های جامعه اسلامی و عطیه‌الهی به انسان‌ها هستند و هیچ‌کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند.

۶) عزت ملی و مرزبندی با دشمن و روابط خارجی: رهبر انقلاب توصیه می‌کنند که در ۴۰ سال آینده باید روابط خارجی را براساس عزت، حکمت و مصلحت بنا نهاد و با توجه به این اصول می‌گویند باید در روابط خارجی، عزت ملی و مرزبندی با دشمن را مبتنی بر اصل عزت، حکمت و مصلحت پیش برد. ایران الان رهبر نهضت بیداری اسلامی و در منطقه قدرتمندترین کشور است. می‌گویند اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به‌دست نمی‌آید. برخی که کلاسیک صحبت می‌کنند، می‌گویند مدیران و رهبران کشور باید تلفیقی از شیران و روباهان باشند، نه شیر صرف و نه روباه صرف. در مساله سوریه بحث مدیریت جهادی با شجاعت و حکمت توأم بود و وقتی ورق برگشت، یعنی وقتی ۸۰ درصد خاک سوریه از دست رفته بود و

تکفیری ها مسلط شده بودند، جمهوری اسلامی وارد شد و بعد از مدتی با تدبیر جمهوری اسلامی و ائتلاف با ترکیه و روسیه، به تدریج اتفاقات داخل سوریه برگشت. الان اگر ما قدرتی هستیم که پمپو با قدرت زیاد خود ۱۲ شرط می گذارد و الان می گوید که بیاید بدون شرط مذاکره کنیم، نه به خاطر اینکه آنها در آنجا اراده کرده بودند در ابوکمال بایستند و ما بگوییم اینها آمدند، ما دیگر برویم، نه. نیرو بسیج کردیم، ماه ها وقت گذاشتیم و امکانات ایجاد کردیم و شجاعت به خرج دادیم، نقشه جنگی کشیدیم و عمل کرد و شهید هم داد ولی به هدف هم رسید. ایشان می فرمایند اینها بخشی از عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی آمد.

۷) سبک زندگی: می فرمایند تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیان های بی جبران اخلاقی، اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است. یکی از مهم ترین چالش های جمهوری اسلامی ایران، دوگانه تجدد و سنت است. ایشان هم به گونه دیگری تعبیر می کنند. از زمانی که تجدد در ایران راه پیدا کرد، یکی از سوگیری ها و هدف گیری هایش سنت های دینی بوده است که یک مقابله ای را ایجاد کرد بین تجددگرایان و سنت گرایان، خصوصا دین گرایان.

منبع: حوزه نت